



تثبیت و گسترش جریان علمی شیعه با مدیریت پنهان امام موسی کاظم(ع)

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه با اشاره به آغاز و تداوم جریان علمی شیعه از دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) اظهار کرد: در دوره بعد، امام موسی کاظم(ع) به مدیریت پنهان این جریان علمی در حال گسترش پرداخته و جریان تثبیت این حرکت علمی را هدایت کردند.

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه با اشاره به آغاز و تداوم جریان علمی شیعه از دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) اظهار کرد: در دوره بعد، امام موسی کاظم(ع) به مدیریت پنهان این جریان علمی در حال گسترش پرداخته و جریان تثبیت این حرکت علمی را هدایت کردند.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی رستم‌نژاد، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی(ص) العالمیه، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اشاره به زندگی ویژه و خاص امام موسی کاظم(ع) در بین ائمه(ع) شیعه گفت: ایشان بخش اعظم دوره امامتشان را در زندان به سر بردند و علاوه بر دوری از خانواده و اصحاب، رنج‌ها و شکنجه‌های متعددی بر این امام بزرگوار رفت که برای محبان ایشان بسیار دلخراش است.

رستم‌نژاد با بیان این که نگاه امام(ع) به این محنت‌ها و زندان نیز ویژه است، عنوان کرد: در مناقب ابن شهر آشوب (4/ص 343) آمده است که امام کاظم(ع) آنگاه که زندانی می‌شوند می‌گویند: اللهم انك تعلم انني كنت اسئلك ان تفرغني، اللهم و قد فعلت فلك الحمد؛ خدایا تو می‌دانی که من از تو خواسته بودم که مرا فارغ و آزاد برای عبادت خودت قرار دهی و اکنون که چنین کرده‌ای تو را سپاس می‌گویم؛ raquo&

وی با اشاره به مدت طولانی زندانی بودن امام(ع) گفت: حتی در دوره‌ای که امام موسی کاظم(ع) در مدینه حضور داشتند، رفت و آمدها به خانه ایشان را محدود ساخته بودند و از همین جهت تا حدی دوره ایشان دوره تقیه است؛ در حالی که امام صادق(ع) دارای حوزه علمیه‌ای عظیم با شاگردان بسیاری بودند، این امکان برای فرزند ایشان امام موسی کاظم(ع) وجود نداشت. اما با این وصف روایات متعددی در زمینه‌های تفسیری، فقهی، کلامی و اخلاقی از ایشان نقل شده است و بسیاری از اصحاب اجماع که از اجله و بزرگان فقه و حدیث هستند، از شاگردان امام موسی کاظم(ع) بوده‌اند و به نقل حدیث از ایشان پرداخته‌اند.

رستم‌نژاد با اشاره به حرکت گسترده علمی شیعه که از زمان امام باقر(ع) آغاز شده بود، اظهار کرد: امام باقر(ع) و امام صادق(ع) حوزه‌های علمی گسترده‌ای را تشکیل دادند و شاگردان بسیاری را پروراندند که بسیاری از آنان دارای درجه فقاقت و اجازه امام معصوم(ع) برای افتاء در زمان حیات ایشان بودند.

وی با اشاره به آغاز جریان علمی شیعه از دوران امام باقر(ع) و ادامه این جریان در حوزه علمیه امام صادق(ع) گفت: در دوره بعد، امام موسی کاظم(ع) به مدیریت پنهان این جریان علمی در حال گسترش پرداختند. ایشان با استفاده از عناصر به بار نشسته در دامان شیعه در زمینه‌های فقه، حدیث، تفسیر و کلام که راهی گوشه و کنار جهان اسلام شده بودند و خطوط اصلی را از امام کاظم(ع) دریافت می‌کردند، جریان تثبیت این حرکت علمی و گسترش تعالیم شیعه را هدایت کردند.

در 171#& عیون اخبار الرضا raquo& آمده است که امام کاظم(ع) از سوی پدر گرامی‌شان 171#& باب من ابواب الله raquo& خوانده شده‌اند، گفت: محمد بن طلحه شافعی درباره امام کاظم(ع) عبارتی دارد و می‌گوید: به باب الحوائج است و کرامات او عقل‌ها را به حیرت می‌اندازد

رستم‌نژاد افزود: امام موسی کاظم(ع) با توجه به محدودیت‌های خود از همین افراد استفاده کردند و در حالی که مردم در يك دوره آرامش اجتماعی به سر می‌بردند و هنوز از حضور فرقه‌های مختلف نیز خبری نبود، با دادن سرخط‌ها به این شاگردان و پیروان به هدایت‌گری جامعه مسلمین پرداختند.

انقطاع الی الله محض در زندگی حضرت موسی بن جعفر(ع)

وی با اشاره به دشواری‌های زندگی امام(ع) با بیان این که نگاه شاكرانه ایشان به محنت‌ها درس‌آموز است، افزود: هرچند از این جهت فرقی میان امام موسی کاظم(ع) و سایر ائمه(ع) وجود ندارد، اما این انقطاع الی الله محض در زندگی حضرت موسی بن جعفر(ع) چیزی است که موجب می‌شود ایشان را 171#& العبد الصالح raquo& بخوانند. العبد الصالح نامی است که در جوامع روایی به ایشان اشاره دارد و هر کجا در جوامع روایی العبد الصالح گفته می‌شود، مقصود امام موسی کاظم(ع) است.

رستم‌نژاد با اشاره به معنای عبد در اصطلاح قرآن بیان کرد: عبد در قرآن بر دو قسم است؛ عده‌ای عبد توانند، یعنی پس از گناه و خطای خود توبه می‌کنند و به سوی خداوند برمی‌گردند. اما قرآن از عباد دیگری نیز سخن می‌گوید و آن‌ها را عبد 171#&؛ اواب 171#&؛ می‌خواند. 171#&؛ اواب 171#&؛ به معنای رجوع زنبور عسل به کندوست و 171#&؛ اواب 171#&؛ صیغه مبالغه از اواب است. زنبور عسل وقتی برای جمع‌آوری شهد از کندو بیرون می‌رود، بارها به کندو رجوع می‌کند و به دفعات زیاد به کندو روی می‌آورد و لذا اواب یعنی کنیرالرجوع است.

وی ادامه داد: این تعبیر برای زنبور عسل به کار رفته است که وقتی از کندوی خود فاصله می‌گیرد، نه همچون مگس به آلودگی‌ها بلکه به شهد و گل گرایش دارد؛ یعنی آن گاه که از کندو فاصله دارد نیز به پاکی و خوبی مشغول است، اما با بازگشت به کندو به معدن این خوبی بازگشته است. بنابراین زنبور عسل بسیار به این معدن بازگشت دارد.

عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی (ص) العالمية با اشاره به بسیاری توبه و استغفار اهل بیت (ع) بیان کرد: واضح و روشن است که این توبه‌ها، نه توبه از گناه که توبه عباد اوابی است که خواهان انس و خلوت با خدا هستند؛ یعنی این بزرگواران حتی تا این اندازه که دستگیری خلاق می‌کنند و به جهت هدایت با آن‌ها در صحبت و حشر و نشر قرار می‌گیرند، از مختصر کدورت حاصل از این امر و انقطاع ظاهری نیز باز می‌گردند و خواهان انس و خلوت مستقیم با خداوند می‌شوند.

وی با اشاره به آیاتی از قرآن کریم گفت: در آیات 30 و 44 سوره مبارکه 171#&؛ ص 171#&؛ واژه 171#&؛ اواب 171#&؛ آمده است. در آیه شریف سی‌ام از این سوره آمده است: 171#&؛ وَ هَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ خداوند تبارک و تعالی می‌گوید سلیمان را به داوود بخشیدیم و وقتی می‌خواهد سلیمان نبی را توصیف کند، می‌گوید او خوب بنده‌ای است؛ چراکه بنده‌ای اواب است. همین طور درباره ایوب نبی (ع) می‌فرماید: 171#&؛ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ یعنی ما ایوب را بنده‌ای شکبایا یافتیم و نیکو بنده‌ای؛ چراکه او بنده‌ای اواب است و بسیار متوجه خداوند خویش می‌شود و همواره در بازگشت به سوی خداست.

رستم‌نژاد اطلاق نام 171#&؛ العبد الصالح 171#&؛؛ به امام موسی کاظم (ع) را نیز از همین روی خواند و عنوان کرد: در منابع اهل سنت نام عبد صالح فراوان انعکاس یافته است. برای مثال ذهبی در 171#&؛ میزان الاعتدال 209/3؛ می‌گوید: 171#&؛ کان موسی (ع) من اجود الحكماء و من عباد الله الاتقياء؛ امام موسی کاظم (ع) از نیکوترین حکما و از بندگان با تقوای خدا بود 171#&؛. همچنین محمد بن طلحه شافعی در کتاب 171#&؛ مطالب السؤل 171#&؛؛ (ص 83) نکته‌ای را بیان می‌کند و می‌گوید 171#&؛ بیبیت اللیل ساجداً و قائماً یقطع النهار متصدقا و صائماً؛ امام موسی کاظم (ع) شب را در سجده و قیام به سر می‌برد و روز را هم روزه‌دار و صدقه‌پرداز بود 171#&؛؛ و در ادامه می‌گوید 171#&؛؛ لکثرة عبادته کان مسما بعبد الصالح؛ ایشان به خاطر کثرت عبادتش به عبد صالح موسوم شده بود 171#&؛؛.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: ابن‌اثیر در 171#&؛ الکامل 144/6؛ می‌گوید: 171#&؛ کان یکنی بالعبد الصالح لکثرة عبادته و اجتهاده و قیامه باللیل؛ امام موسی کاظم (ع) به خاطر عبادت زیادش و به خاطر تلاش‌ها و قیام‌ها و نمازهای شبانه‌اش با کنیه عبد صالح خوانده می‌شد 171#&؛؛.

باب الحوائج الی الله

رستم‌نژاد در ادامه به لقب دیگری از القاب امام موسی کاظم (ع) اشاره کرد و با بیان این که در بسیاری از منابع اهل سنت نیز امام موسی کاظم (ع) به باب الحوائج الی الله معروف هستند، گفت: همه ائمه (ع) باب الحوائج هستند اما این لقب درباره امام کاظم (ع) به گونه‌ای است که حتی بسیاری از بزرگان اهل سنت این امر را به تجربه دریافته‌اند.

وی به تشریح سابقه واژه باب در منابع دینی پرداخت و گفت: واژه‌ای در قرآن کریم آمده است با عنوان 171#&؛ حطة 171#&؛؛ که به معنای التوبه است. در آیه شریفه 58 سوره مبارکه بقره، آن‌جا که آمده است ما به بنی‌اسرائیل گفتیم که 171#&؛ وَقُولُوا حِطَّةٌ؛ اشاره به این دارد که به بنی‌اسرائیل گفته شد، آنگاه که از دروازه رد می‌شوید، به منظور ریزش گناهان واژه 171#&؛ حطة 171#&؛؛ را ادا کنید. ذیل این آیه روایاتی در منابع اهل سنت نقل شده است، به این مضمون که امیرالمؤمنین (ع) 171#&؛؛ باب حطة الذنوب 171#&؛؛ است؛ یعنی در واقع در رحمت الهی و موجب ریزش گناهان است.

رستم‌نژاد افزود: ابن‌ابی‌شیه از علمای اهل سنت و استاد بخاری (صاحب صحیح بخاری) در کتاب خود با نام 171#&؛ المصنف 503/7؛ (raquo؛) حدیثی از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرده که می‌گوید 171#&؛؛ انما مثلنا فی هذه الامة کسفینه نوح... کباب حطه فی بنی‌اسرائیل؛ مثال ما اهل بیت (ع) در این امت مثال کشتی نوح (ع) است که هر که بر آن سوار شود، نجات

می‌یابد و همانند باب حطه در بنی‌اسرائیل است؛ یعنی ما آن باب الحطة هستیم که باعث ریزش گناهان می‌شویم و به وسیله ما راه به سوی خداوند گشوده می‌شود. همچنین در «الدّر المنثور«؛ جلال‌الدین سیوطی، حدیثی از خود پیامبر(ص) نقل شده است که «ان مثل اهل بیتی فیکم مثل باب حطة فی بنی‌اسرائیل«.

یکی دیگر از القاب امام کاظم(ع) «العالم« است که از القاب خاص ایشان است و وقتی گفته می‌شود «روی العالم«؛ یعنی امام موسی کاظم(ع) روایت کرده است. بنابراین العالم از دیگر القابی است که در سلسله راویان به طور مطلق به امام کاظم(ع) اطلاق می‌شود

وی با بیان این که در «عیون اخبار الرضا« آمده است که امام کاظم(ع) از سوی پدر گرامی‌شان «باب من ابواب الله« خوانده شده‌اند، گفت: محمد بن طلحه شافعی درباره امام کاظم(ع) عبارتی دارد و می‌گوید: «و يعرف فی العراق بباب الحوائج الى الله لنجح مطالب المتوسلين الى الله... کراماته تحار منه العقول«؛ یعنی امام کاظم(ع) در عراق معروف به باب الحوائج است و کرامات او عقل‌ها را به حیرت می‌اندازد«.

این محقق و پژوهشگر ادامه داد: همچنین خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (ص 120) آورده است که ابوعلی خلال که به شیخ الحنابله معروف بوده است، می‌گوید که «ما همنی امر فقصدت قبر موسی بن جعفر(ع) و توسلت به و سهل الله تعالی ما احب«؛ هیچ امر مهمی بر من وارد نشد که من قصد مزار موسی بن جعفر(ع) کردم و به او متوسل شدم، الا که آن چیز را که من تمایل داشتم، خداوند برای من تسهیل و حاجت مرا روا کرد«.

«العالم«؛ لقبی که در سلسله راویان به طور مطلق به امام کاظم(ع) اطلاق می‌شود

عضو هیئت علمی جامعةالمصطفی(ص) العالمية با تأکید بر این که نامیده شدن آن حضرت به باب الحوائج نکته بسیار مهمی است، عنوان کرد: یکی دیگر از القاب امام کاظم(ع) «العالم« است که از القاب خاص ایشان است و وقتی گفته می‌شود «روی العالم«؛ یعنی امام موسی کاظم(ع) روایت کرده است. بنابراین العالم از دیگر القابی است که در سلسله راویان به طور مطلق به امام کاظم(ع) اطلاق می‌شود.

وی با اشاره به داستان مفصلی منقول در اعیان الشیعه درباره حضور امام(ع) در جلسه هارون الرشید گفت: در این مجلس که مأمون عباسی نیز در آن حضور داشته است، هارون الرشید با احترام فراوان با امام کاظم(ع) برخورد می‌کند و پس از خروج امام(ع) از جلسه، مأمون از پدر خود می‌پرسد که در حالی که پشت سر این مرد از وی بد می‌گویی، چرا با چنین احترامی با او برخورد کردی؟ و هارون در پاسخ او می‌گوید «هذا امام الناس و حجة الله على خلقه و خليفته على عباده و هذا وارث علم النبیین ان اردت العلم الصحيح فعند هذا«. براساس این ماجرا که شیخ صدوق نیز در «امالی«(307) آن را ذکر کرده است، دشمن امام(ع) نیز به علم امام کاظم(ع) معترف بوده و چنین اعتراف و برخوردی از زمین‌گیر شدن دشمن در حضور این بزرگوار حکایت دارد.